

جهانی شدن فرهنگی

در جهانی شدن فرهنگی، جنبه‌هایی بررسی و مطالعه می‌شوند که با اندیشه و حس ملی‌گرایی، هم‌فکری فرهنگی، هم‌بستگی و وفاق سیاسی، وحدت ملی و هویت ملی، تصویرسازی جهانی از فرهنگ‌ها و ملت‌ها، ارتباطات میان فرهنگی، اخلاق جهانی هویت‌های خرد و کلان فرهنگی، و تحولات ارزشی در ارتباط مستقیم هستند. امور فرهنگی در مقایسه با پدیده‌های اقتصادی و سیاسی، کمتر ملموس و آشکارند. در حوزه پدیده جهانی شدن فرهنگی به دو نکته باید توجه کرد:

۱. محققان و دولت‌مردان کمتر به اهمیت آن توجه کرده‌اند.
۲. دولت‌مردان و تصمیم‌گیرندگان امور فرهنگی حساسیت چندانی در برابر عواقب و خطرات احتمالی این روند فرهنگی نشان نداده‌اند.

نقش جهانی شدن در تضعیف هویت ملی - فرهنگی

نقش جهانی شدن در تضعیف هویت ملی - فرهنگی از چند نظر قابل بررسی است: اول آنکه جهانی شدن گاهی باعث نوعی اختلال در جامعه و تضعیف مشروعیت دولت می‌شود. زیرا جهانی شدن باعث ترویج فرهنگ اجنبی و اشاعه منش خارجی می‌شود که در نهایت هویت و وحدت ملی را تضعیف می‌کند. جهانی شدن گاهی نیز باعث فرار مغزها و کمبود نیروهای مولد کشورها می‌شود. جهانی شدن به تضعیف قدرت ملی کشور می‌انجامد، به نحوی که تهاجم نیروهای خارجی را ترغیب و تسهیل می‌کند. به علاوه، گاهی تحولات ناخواسته را در ارزش‌های فرهنگی و آداب و سنن ملی موجب می‌شود. به‌ویژه اگر ناشی از رواج فرهنگ بیگانه خارج از کنترل برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور باشد، می‌تواند به نوعی گسستگی اجتماعی و سیاسی منجر شود. چنین وضعیتی معمولاً به‌طور تدریجی و به اصطلاح خزنده و آرام شکل می‌گیرد و به صورت‌های مختلف مسئله‌ساز می‌شود. برای مثال، غلبه آموزش‌های فرهنگی متأثر از روند جهانی شدن گاهی به صورت غیرمستقیم بر آموزش‌های خانواده‌ها اثر می‌گذارد، مفاهیم فرهنگی و فکری میان والدین و فرزندان را با بروز نوعی شکاف بین نسلی مواجه می‌کند و در نهایت به تضعیف بنیاد خانواده و سقوط معیارهای تربیتی و اخلاقی جوانان می‌انجامد.

فرهنگ آموزش در چالش با جهانی شدن فرهنگی

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، جهانی شدن فرهنگی، آموزش برخط

اشاره

صرف نظر از تعاریف کلی مفهومی جهانی شدن در قرن بیست‌ویکم، به‌ویژه در یک دهه اخیر، مفاهیم جدیدی به مفهوم جهانی شدن اضافه شده‌اند؛ مفاهیم و واژگانی از قبیل جهانی شدن آموزش، آموزش عالی جهانی، نیروی کار جهانی و غیره. از نظر مالکوم واترز، جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده‌اند، از بین می‌روند و مردم به‌طور فزاینده‌ای از مزایای کاهش این قید و بندها بهره‌مند می‌شوند. برخی دیگر از محققان «جهانی شدن» را نتیجه گسترش فرهنگ اروپایی و «تقلید فرهنگی» از طریق مهاجرت به سراسر مناطق جهان می‌دانند. لذا هر نظام اجتماعی باید برای ثبات و پایداری خود وضعیت خویش را در برابر دنیای غرب سرمایه‌داری سامان دهد (نهادنایان، ۱۳۸۷: ۲). در این مقاله مفهوم جهانی شدن فرهنگی معرفی و توضیح داده شده است.

از سوی دیگر، وقتی دولت‌مردان و سیاست‌گذاران متعلق به نسل بالغ و میان‌سال یا سالخوردگان جامعه باشند- که معمولاً چنین است- ظهور شکاف فکری و فرهنگی میان جوانان و نوجوانان از یک‌سو، و دولت‌مردان متعلق به نسل پیش و پای‌بند به اصول و ارزش‌های سنتی از سوی دیگر، به نبود ارتباط و مفاهیم بین نسلی در شکل سیاسی آن منجر می‌شود. بی‌شک این وضع به هیچ‌وجه مطلوب نیست و ممکن است به تضعیف یکپارچگی اجتماعی و سیاسی منتهی شود. ظهور و تحقق چنین پدیده‌ای در درجه اول نوعی تضعیف در اقتدار ملی است که نفوذ باز هم بیشتر فرهنگ بیگانه را تشدید و تسهیل می‌کند (همان: ۱۳).

اثر جهانی شدن بر بنیان خانواده

در دنیای امروز، ما شاهد نفوذپذیری مرزها از طریق فناوری ارتباطات هستیم و این فناوری اطلاعات است که به جوامع و سازمان‌ها امکان پاسخ‌گویی به گسترش مرزها را می‌دهد. اما باید اعتراف کنیم که همه جوامع تحت تأثیر پدیده جهانی شدن هستند. بسیاری معتقدند که جهانی شدن فرصتی استثنایی است، به شرط آنکه این پدیده را خوب بشناسیم و راهبردهای لازم را در مقابل آن برگزینیم. اما اگر با بی‌اعتنایی از کنار آن عبور کنیم، به یک تهدید تبدیل می‌شود.

امروزه شاهد رشد روزافزون فروپاشی خانواده‌ها هستیم؛ تغییراتی که به‌طور روزمره آن‌ها را مشاهده می‌کنیم و به تأثیر آن‌ها بر نهاد خانواده اذعان داریم. تجلی تغییرات مزبور به ما کمک می‌کند، این حوادث را درک کنیم و ببینیم نهاد خانواده به چه سمت و سویی می‌رود، موقعیت این نهاد با توجه به تغییراتی که در مسائل جنسیتی، روابط عاطفی و روابط جنس‌ها با یکدیگر رخ می‌دهد، چگونه است. و چگونه این تغییرات تحت تأثیر مظاهر جهانی شدن پدیدار شده است؟

در مورد تأثیر پدیده جهانی شدن بر خانواده دو دیدگاه متفاوت وجود دارد:

● دیدگاه محافظه‌کار: که مدافع حفظ خانواده

سنتی است. این دیدگاه خانواده را در مرز از هم پاشیدگی می‌بیند. می‌گوید تشکل خانوادگی رو به زوال است و پدیده جهانی شدن یکی از عوامل مهم اثرگذار در این زمینه محسوب می‌شود.

● دیدگاه لیبرال: که نقطه مقابل محافظه‌کاران

است و به تکثر خانواده عقیده دارد. این دیدگاه می‌گوید با تغییر شکل زندگی شخصی، انواع

جدید خانواده چون خانواده‌های تک‌سرپرست شکل می‌گیرد که لازمه جوامع مدرن و صنعتی متأثر از جهانی شدن است.

حال سؤال اساسی این است که کدام‌یک از موارد زیر بازگوکننده واقعیت جهانی شدن هستند؟

● جهانی شدن درصدد پایه‌گذاری فرهنگ جهانی با مشارکت تمامی مذاهب و تمدن‌هاست.

● جهانی شدن درصدد است با استفاده از رشد چشمگیر فناوری و تسهیل در امر انتقال اطلاعات و گسترش ارتباطات جهانی در عرصه بین‌المللی، فرهنگ‌ها را از طریق یک فرهنگ جهانی به یکدیگر نزدیک کند.

● جهانی شدن با هدف پایه‌گذاری، تثبیت و گسترش سلطه فرهنگی خاصی، فقط به دنبال تأمین منافع خود است و می‌خواهد که فرهنگ خود را به دنیا معرفی و تحمیل کند. در واقع به دنبال هویت‌زدایی از ملت‌هاست.

مسلم است که نمی‌توان تعامل و تعارض فرهنگ‌ها را نادیده گرفت، به‌خصوص که عامل حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی و تداوم هویت ملی، تاریخ، زبان و فرهنگ قومی و مذهبی هر جامعه، نهاد خانواده است. بنابراین اگر منظور از جهانی شدن، سلطه یک فرهنگ بر فرهنگ‌های دیگر بدون در نظر گرفتن تنوع فرهنگی باشد، از آنجا که فرهنگ‌ها مبتنی بر نظریه، ایدئولوژی و اعتقادات خاص خود هستند، چنین سلطه‌ای مسلماً موجب ایجاد تغییرات و دگرگونی‌های عمده‌ای خواهد شد و طبعاً فرهنگ سلطه با فرهنگ بسیاری از کشورها که دارای سنت‌ها، آداب، اعتقادات و باورهای قومی-ملی-مذهبی هستند، تعارض اساسی و بنیادین دارد، نمی‌تواند مورد پذیرش عمومی تمام جوامع قرار گیرد؛ حتی اگر دولت‌ها نیز برای پذیرش این فرهنگ و یکسان‌سازی آن بکوشند. این مشکل هنگامی بیشتر نمایان می‌شود که دولت‌ها بدون بسترسازی مناسب، پذیرای این فرهنگ می‌شوند و جامعه درصدد ستیز و مبارزه با فرهنگ جدید برمی‌آید. و یا این فرهنگ چنان مودیانانه از طریق وسایل ارتباط جمعی در ذهن و جان افراد نفوذ می‌کند که موجب بروز از خود بیگانگی در افراد جامعه می‌شود. پس اگر در اهداف جهانی شدن، به فرهنگ جوامع احترام گذاشته شود و قصد یکسان‌سازی فرهنگی و هویت‌زدایی در میان نباشد، مشابهت‌های فرهنگی شناسایی و لحاظ می‌شوند. در این صورت تمامی تمدن‌ها با هم ارتباط خواهند داشت و اثرگذار و اثرپذیر خواهند بود.

بسیاری معتقدند که جهانی شدن فرصتی استثنایی است، به شرط آنکه این پدیده را خوب بشناسیم و راهبردهای لازم را در مقابل آن برگزینیم. اما اگر با بی‌اعتنایی از کنار آن عبور کنیم، به یک تهدید تبدیل می‌شود

بر اساس نظریه فرهنگی، رفتار انسان در زندگی فعال و پویای اجتماعی و برقراری رابطه با دیگران، متأثر از الگوی روابط اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی است



بر اساس نظریه فرهنگی، رفتار انسان در زندگی فعال و پویای اجتماعی و برقراری رابطه با دیگران، متأثر از الگوی روابط اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی است (معینی فر، ۱۳۸۵: ۷۰).

کازمی معتقد است که این دو مؤلفه خود در الگوی روابط فردی و ارزش‌های مشترک و اعتقادات ریشه دارند. وی اظهار می‌دارد: باتوجه به اینکه هیچ یک از مؤلفه‌های فوق دارای تقدم علی نیستند، پیوستن به یک الگوی روابط اجتماعی، به پیدایش نوعی جهان‌بینی منجر می‌شود و متقابلاً، پیوستن به یک جهان‌بینی خاص زمینه‌ساز مشروعیت نوعی روابط اجتماعی وابسته به آن را فراهم می‌کند.

از جمله تهدیدات جهانی شدن می‌توان به از خود بیگانگی فرهنگی اشاره کرد که البته طریق مبارزه با آن افزایش خودباوری و ایجاد تعلق به تمدن ملی و وجود پیشینه فرهنگی قوی بین مردم و خانواده‌هاست. این امر می‌تواند از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی، فعالیت‌های فرهنگی نظیر تغییر نگاه مطبوعات، و بهبود قوانین و مقررات حاصل شود.

جهانی شدن و ضرورت‌های ایجاد تحول در آموزش

در عصر حاضر که دیگر تأکید نظام آموزش و پرورش بر انتقال دانش نیست و نقش مدرسه با گذشته تفاوت بسیار دارد، ضرورت ایجاد کرده است که آموزش و پرورش به جای پرداختن صرف به آموزش مواد درسی، به پرورش ویژگی‌های انسانی نیز بپردازد و به تمام ابعاد زندگی دانش‌آموز توجه کند. از مهم‌ترین مسائل محوری آموزش و پرورش در

عصر جهانی شدن استفاده درست و بهینه از فناوری اطلاعات است که در قرن ۲۱ با تغییر شکل دراماتیک اجتماع توسط شبکه رایانه‌ای شروع شده است، شیوه زندگی، شیوه کار کردن، اقدامات و فعالیت‌های رفاهی و سرگرمی، و ماهیت روابط انسانی به‌طور معناداری تحت تأثیر فناوری تغییر یافته و جهان آموزش نیز به تبع آن عوض شده است. به‌علاوه بنا بر ضرورت، وظایف و تکالیف معلمان و شاگردان، چگونگی انجام آن‌ها، زمان و مکان وقوع یادگیری، ماهیت فعالیت‌ها و تجارب یادگیری تغییر کرده است. حتی شیوه‌های سوادآموزی همان‌طور که می‌دانیم عوض شده‌اند و همه افراد در سراسر زندگی خود به یادگیری مشغول‌اند و به طرق مختلف در فعالیت‌های یادگیری درگیر می‌شوند. (احدیان، ۱۳۹۲: ۹۹).

از دهه ۱۹۹۰، با ظهور شبکه جهانی وب، دسترسی به اطلاعات شبکه‌بندی شده بسیار راحت‌تر شده است. این شبکه تمامی روش‌های تعامل بین فردی را، از قبیل پست الکترونیکی، (گفت‌وگو)، بحث‌های آزاد و کنفرانس‌ها، پوشش می‌دهد.

شکل‌گیری آموزش‌های برخط

موضوعات و عناوینی که آموزش برخط را شکل داده‌اند عبارت‌اند از:

- **مشارکت:** بدون شک یکی از بزرگ‌ترین تغییراتی که آموزش برخط با خود به همراه دارد، افزایش تمایل مشارکت در میان دانش‌آموزان و معلمان است. بسیاری از پروژه‌های آموزشی برخط دربرگیرنده تبادل اطلاعات بین کلاس‌های مناطق و نواحی متفاوت است. این نوع آموزش مشارکتی با کلاس‌های قدیمی که به‌صورت منزوی اداره می‌شدند، تفاوت دارد. مشارکت ممکن است بین یک جفت دانش‌آموز، گروه‌های کوچک دانش‌آموزان یا کل کلاس صورت گیرد.
- **با هم ارتباط داشتن:** آموزش برخط فراهم‌کننده دامنه وسیعی از ارتباطات است. دانش‌آموزان به راحتی با هم و یا با معلم خود از طریق پست الکترونیکی و یا ویدیوکنفرانس ارتباط برقرار می‌کنند. همچنین، فراگیرندگانی که خارج از منزل به سر می‌برند و در شهرهای دیگر تحصیل می‌کنند، می‌توانند با والدین خود ارتباط داشته باشند. در پهنه وسیع‌تر، فراگیرندگان می‌توانند با صاحب‌نظران رشته خود به راحتی تماس حاصل کنند.
- **دانش‌آموزمحوری:** یکی دیگر از ویژگی‌های

آموزش برخط، دانش‌آموز محور بودن آن است. هر چند که معلمان و دبیران همچنان نقش کلیدی خود را حفظ می‌کنند، اما فراگیرندگان به‌طور وسیعی با تعیین مقدار شراکت و فعالیت خود مسیر آن را تعیین می‌کنند. معلم اهداف را تدوین می‌کند و فرایند یادگیری را آسان و مدیریت می‌کند. فراگیرنده خودش محتوا را کشف و تعیین می‌کند و تکالیف و وظایف را انجام می‌دهد. این یعنی دوره‌های آموزش برخط کمتر ساختاردهی شده‌اند و فراگیرندگان باید مسئولیت یادگیری خود را به عهده بگیرند.

● **حذف مرز و محدوده:** غالباً گفته می‌شود که آموزش برخط موجب حذف دیوارهای کلاس درس می‌شود. در واقع، فراگیرندگان می‌توانند به اطلاعات فراوانی در سراسر جهان دست پیدا کنند. همچنین، به‌طور هم‌زمان درهای کلاس‌های آموزش برخط بر روی دانش‌آموزان زیادی باز است. آموزش برخط مرزها را از بین برده است و هیچ مرزی مبنی بر اینکه چه کسی، در کجا و چه موقع یاد می‌گیرد و فراگیرنده کیست، وجود ندارد. این ویژگی برای افرادی که در مناطق دور دست زندگی می‌کنند، افرادی که دچار معلولیت و ناتوانی هستند، افرادی که مکرراً کوچ و مهاجرت می‌کنند، و نیز افراد دارای مشکلات ثبت‌نام در مدارس عادی، بسیار مناسب و قابل دسترس است. همچنین برای افراد شاغل خیلی با اهمیت است، چرا که بدون صرف زمان یا هزینه زیاد می‌توانند دوره‌های بازآموزی و آموزش ضمن خدمت را در محل کار خود بگذرانند.

● **نقش جامعه:** آموزش در جامعه انجام می‌شود، چه به‌صورت جامعه‌ای از فراگیرندگان که به‌طور خاص توسط مدرسه یا دانشکده تعیین و تعریف می‌شود، و چه به‌صورت جامعه فیزیکی یا جامعه روستایی. آموزش برخط با قابلیت‌های در دسترس بودن و مرتبط ساختن می‌تواند چندین جامعه را دور هم جمع کند. به‌علاوه، شبکه‌های رایانه‌ای جوامع مجازی می‌توانند تعریف و تعیین کنند که افراد همسان از نظر انگیزه و علاقه به دور هم جمع شوند و با هم بیاموزند. سایت‌های «دوست‌داران طبیعت» یا «مبارزه علیه اعتیاد» نمونه‌هایی از این جوامع مجازی هستند. تأسیس و راه‌اندازی مدارس مجازی که متشکل از جامعه یادگیری بدون ساختمان و مرزهای واقعی هستند نیز از این طریق امکان‌پذیر است.

● **کشف کردن:** بسیاری از فعالیت‌های برخط دربرگیرنده گونه‌هایی از ابداع یا شکل یادگیری اکتشافی هستند. یادگیرندگان و به‌ویژه بچه‌ها کشف کردن را خیلی دوست دارند و در کلاس‌های آموزش برخط از این شیوه‌ها استفاده می‌شود. این فرصت آموزش برای موزه‌ها و مراکز علمی نیز خیلی مناسب است؛ جایی که مردم برای سرگرمی و همچنین یادگیری مطالب جدید مراجعه می‌کنند. رسمی‌ترین نوع کشف کردن در یادگیری به شیوه «مسئله‌محور» است که به‌طور رایجی در آموزش‌های تخصصی (حقوق، طب و پرستاری از آن) استفاده می‌شود. در این شیوه فراگیرنده با برخورد به یک مسئله یا در پی یک مطالعه موردی به دنبال کشف و ارائه راه‌حل، تشخیص، راهبرد یا طراحی می‌رود. یادگیری مسئله‌محور با آموزش برخط خیلی سازگار است، زیرا دسترسی به منابع و مهارت‌ها و صاحب‌نظران یک جنبه کلیدی از حل مسئله است.

● **تبادل دانش و آگاهی:** هر چند تبادل دانش و آگاهی امری عمومی در آموزش و پرورش است، اما قبل از معرفی شبکه‌های رایانه‌ای، راه‌های خیلی کمی برای تبادل اطلاعات وجود داشت. کتاب‌ها فناوری تعجب‌آوری در تبادل دانش و آگاهی هستند، چرا که نسبتاً ارزان، قابل حمل، سیار و طویل‌العمرند. اما فقط کسر خیلی کمی از دانش انسانی منتشر می‌شود و در قفسه‌های کتابخانه‌ها فقط کسری از آن‌ها می‌توانند جای بگیرند. در حالی که اطلاعات قرار داده شده در وب‌ها به‌طور فوری هر نوع اطلاعاتی را در حداقل زمان در اختیار افراد سراسر جهان قرار می‌دهد. در این سیستم هر شخص می‌تواند مؤلف و یا ناشر باشد.

● **تجارب یادگیری چندحسی:** ما می‌دانیم که یادگیری، زمانی که از کانال‌های حسی چندگانه (دیداری، رنگ، حرکت، صوت، صدا، لمس و بو) استفاده شود، خیلی مؤثرتر خواهد بود. همچنین ما می‌دانیم که هر فردی برای یادگیری بهتر استفاده از حس خاصی را ترجیح می‌دهد که به آن شیوه‌های شناختی می‌گویند. فناوری چندرسانه‌ای می‌تواند انواع خاص و متنوعی از تجارب یادگیری چندحسی را ارائه دهد.

● **دامنه آموزش برخط:** دامنه آموزش از وضعیت سلسله‌مراتبی و دوره‌ای به یک قلمرو اطلاعاتی تغییر یافته است که در آن فناوری‌های ارتباطی

در عصر حاضر که دیگر تأکید نظام آموزش و پرورش بر انتقال دانش نیست و نقش مدرسه با گذشته تفاوت دارد، ضرورت ایجاد کرده است که آموزش و پرورش به‌جای پرداختن صرف به آموزش مواد درسی به پرورش ویژگی‌های والای انسانی نیز بپردازد و به تمام ابعاد زندگی دانش‌آموز توجه کند



به‌طور پیش‌رونده‌ای اهمیت می‌یابند. هرچند شیوه‌های آموزش تغییر کرده‌اند، اما این تغییرات با سرعت کافی در حال وقوع نیستند. روشن است که در آینده‌ی نزدیکی ما شاهد ساختاردهی مجدد جوامع، صنعت و مؤسسات آموزشی خواهیم بود و تا حد زیادی به رایانه‌ها و ارتباط از راه دور برای کارهای آموزشی متکی خواهیم شد.

● **شبکه‌ها:** به‌وضوح مشخص است که آموزش برخط دربرگیرنده‌ی استفاده از شبکه‌های رایانه‌ای برای یادگیری و تدریس است؛ هرچند که این شبکه‌ها می‌توانند شامل شبکه‌هایی نظیر اینترنت، اینترنت و یا شبکه‌های کوچک محلی در یک ساختمان خاص باشند (احدیان، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

جهانی شدن نباید صرفاً در راستای یکسان‌سازی فرهنگی در تمامی ابعاد صورت بگیرد، بلکه باید در جهت احترام به فرهنگ‌ها و شناسایی مشابهت‌های فرهنگی شکل گیرد و تعریف شود. در حقیقت جهانی شدن نباید به‌قیمت هویت‌زدایی یک جامعه انجام پذیرد

جمع‌بندی

امروزه شاهد تغییرات روزافزونی در انواع آموزش‌ها هستیم و تمامی اقدامات و فعالیت‌های آموزشی به‌سوی تغییر الگو و هم‌پایی با روند نوین تدریس و یادگیری پیش می‌روند. در دوره‌ی فعلی، یعنی همان عصر اطلاعات و ارتباطات، معلمان، فراگیرندگان و مدیران با انبوهی از اطلاعات و رویه‌ها مواجه هستند. رایانه‌ها موجب تسهیل دسترسی به اطلاعات، نگهداری و ذخیره‌سازی اطلاعات و تجزیه و تحلیل و پردازش اطلاعات شده‌اند. بنابراین تأثیر جهانی شدن در فرایند آموزش به این صورت است که آموزش و فناوری آموزشی به‌سمت تغییر الگو و گرایش‌ها زیر پیش می‌رود:

- آموزش فراگیرنده‌محور به‌جای آموزش معلم یا محتوا محور؛
- استفاده از تجربیات یادگیری انفرادی به‌جای تجربیات سنتی؛
- تأکید بر آموزش فرایندهای یادگیری به‌جای انتقال محتوای تدریس؛
- تأکید بر آموزش درون‌گروهی در گروه‌های کوچک؛
- گرایش به کاربرد فناوری رایانه‌ای؛
- تأکید بر روابط بین فراگیرنده و گروه فراگیرندگان و معلم؛
- تأکید بر تعامل بین فراگیرندگان و محتوا؛
- تأکید بر مشارکت.

لوک دیون عقیده دارد، با پیشرفت‌های حاصل در زمینه فناوری اطلاعات، روابط شهروندان با جامعه بیش از پیش تحت تأثیر ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی نظیر اینترنت و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی که از

این پس با سفارش و به دلخواه در دسترس خواهند بود، قرار می‌گیرد. پویایی حاصل از این پیشرفت‌ها، اثرهای گوناگونی بر خانواده دارد. اکنون عوامل تأثیر و نفوذ مؤثر بر کودکان، دیگر به پدر و مادر و خانواده گسترده محدود نیست. رسانه‌های یادشده، الگوها، نمونه‌ها و تصویرهای گوناگونی را عرضه می‌کنند که در همه‌ی موارد با ارزش‌های خانوادگی هم‌خوانی ندارند و نیز راه‌هایی برای تحقق خواسته‌ها و امیال ارائه می‌دهند که با مفاهیم و موازین، و شأن و منزلت انسان سازگار نیستند (معینی‌فر، ۱۳۸۵: ۷۵).

خانواده عاملی کلیدی و مهم برای تحقق بخشیدن به امنیت و توسعه واقعی است. گرچه خانواده نهادی طبیعی برای تجدید نسل‌هاست، اما مسئله آن تنها زاد و ولد نیست، بلکه اساساً مسئولیت سنگین پرورش فرزندان و تعلیم و تربیت را بر عهده دارد. در همین اولین جایگاه انسان‌سازی، نقش خانواده برای توسعه ضروری و لازم‌الاجراست و باید از خانواده حمایت کرد. جهانی شدن نباید صرفاً در راستای یکسان‌سازی فرهنگی در تمامی ابعاد صورت بگیرد، بلکه باید در جهت احترام به فرهنگ‌ها و شناسایی مشابهت‌های فرهنگی شکل گیرد و تعریف شود. در حقیقت جهانی شدن نباید به‌قیمت هویت‌زدایی یک جامعه انجام پذیرد.

* منابع

۱. احدیان، محمد (۱۳۹۲). مقدمات تکنولوژی آموزشی. انتشارات بشری.
۲. فضلی‌خانی، منوچهر و فتحی‌نژاد، فرهاد (۱۳۸۴). نقش ICT در کلاس درس. ترجمه انتشارات وراي دانش.
۳. نهاوندیان، محمد (۱۳۸۷). ما و جهانی شدن پیش طرح شناخت و سیاست‌گذاری. انتشارات فخر کیا.
۴. معینی‌فر، حشمت‌السادات (۱۳۸۵). گفتارهایی در باب جهانی شدن. شرکت چاپ و نشر بازرگانی.